



رِسش: رسانه و هیأت تراز انقلاب اسلامی / شماره چهارم / بهار ۱۳۹۵

هیأت رسانه فراگیر آخر الزمان

گفتاری از حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا زائری
در جمع فعالان رسانه ای هیأت





کتابخانه مجلس شورای اسلامی و انتشارات مجلس



رَبِّش - رسانه و هیأت تراز انقلاب اسلامی - شماره چهارم، بهار ۱۳۹۵

هیأت، رسانه فراگیر آخرالزمان
گفتاری از حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا زائری (زبدعزه)
در جمع فعالان رسانه‌ای هیأت
مکان: جمکران، قرارگاه منتظران شهادت
زمان: شهریور ۱۳۹۳
ویرایش و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه ای جامعه ایمانی مشعر
صفحه آرا: حسن ناصری
طراح جلد: سید مجتبی نبی‌زاده
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
قیمت: ۲۰۰۰ تومان (غیرقابل فروش)

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.



جامعه ایمانی مشعر

نشانی: قم، بلوار امین، کوچه ۱۰، پلاک ۲۰

تلفکس: ۰۲۵ - ۳۲ ۹۲ ۸۹ ۵۱

کد پستی: ۳۷۱۵۱ - ۳۷۱۶۶

سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۵۴۲

پایگاه اطلاع‌رسانی: www.۱۵۴۲.org

رایانامه: info@۱۵۴۲.org

بسم در معنی بهم

اشاره

هیأت رسانه است؛ جمع شدن و هیأت گرفتن کارکرد ارتباطی دارد. «هیأت» در شرایط آخرالزمان و قبل از ظهور، چه وظایف و الزاماتی دارد؟ هیأت به عنوان یک رسانه، باید به چه نکات و مواردی ملتزم باشد تا نقش و وظیفه خود را در آخرالزمان به درستی ایفا کند؟ رسالت آخرالزمانی هیأت در عرصه جهانی چیست؟

حجت الاسلام زائری، صاحب امتیاز نشریه خیمه، به قدری نام آشنای هیأتی های سراسر کشور هست که نیازی به معرفی بیشتر نداشته باشد. چهارمین «رسش» متن سخنان ایشان را در جمع فعالان رسانه هیأت با موضوع «الزامات رفتاری هیأت ها در آخرالزمان» تقدیم می کند.





قبل از آن که هیأتی،
سایت و نشریه‌ای
داشته باشد، خود
این جمع شدن نقش
و کارکردی ارتباطی
دارد و می‌تواند
رسانه‌ای باشد که
پیامی را منتقل کند.

نقش هیأت به عنوان رسانه فراگیر آخرالزمان

پیشنهاد من درباره موضوع بحث در این جلسه، بررسی نقش هیأت به عنوان رسانه فراگیر آخرالزمان است. این نقش مبتنی بر دو پیش‌فرض است؛ یکی آن که خود هیأت رسانه است؛ یعنی قبل از آن که هیأتی، سایت و نشریه‌ای داشته باشد، خود این جمع شدن نقش و کارکردی ارتباطی دارد و می‌تواند رسانه‌ای باشد که پیامی را منتقل کند. پیش‌فرض دوم آن است که ما در شرایط آخرالزمان قرار داریم؛ البته نمی‌خواهم وقت تعیین کنم، ولی شواهد و قرائن حاکی از آن است که شرایط فعلی، شرایط آخرالزمانی است. برای این که وارد بحث شوم، لازم است دو مقدمه را عرض کنم.





شخصی می گفت ما در
شهری که کل شیعیان
آن ۲۱ نفر بودند،
مجلس کوچکی را
راه انداختیم، ولی
در عاشورای سال
قبیل ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفر
شرکت کننده داشتیم

انتقام گیری از خون سیدالشهداء علیه السلام یکی از اهداف امام زمان علیه السلام

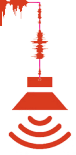
مقدمه اول این که شاید در میان ویژگی های امام زمان علیه السلام، انتقام گیری از خون سیدالشهداء علیه السلام برجسته تر از ویژگی ها دیگر باشد. در روایت داریم که وقتی جناب جبرئیل ماجرای شهادت سیدالشهداء علیه السلام را برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیان کرد، پیامبر خیلی ناراحت شدند. تعبیر مختلفی دارد که پاره جگر و پاره تن و عزیز دل شان باید با لبان تشنه سر از بدن شان جدا شود.

این مبنای ظهور حضرت صاحب الزمان علیه السلام است. خود ما در دعاها و مناجات ها همیشه از خدا می خواهیم که در این ماجرا با حضرت همراهی کنیم. در زیارت عاشورا هر روز این زمزمه را داریم که با امام مهدی علیه السلام باشیم و انتقام بگیریم. اگر چنین فرضی داریم، پس منطقی مردم دنیا در آخرالزمان باید درک و فهم درست و شفافی از مظلومیت امام حسین علیه السلام داشته باشند، وگرنه معنا ندارد که امام زمان علیه السلام بیاید و بگوید من می خواهم انتقام بگیرم.

پس معلوم می شود زمانی که امام زمان علیه السلام تشریف می آورند، مردم درک و فهمی از واقعه و مظلومیت امام حسین علیه السلام دارند. حالا ذیل این نکته شما خاطره ها، اطلاعات و اخبار گوناگونی از سراسر دنیا می شنوید؛

در دنیا Hussain day کاملاً شناخته شده است و در این روز مثلاً آب معدنی توزیع می‌کنند و یا در فلان شهر کانادا قیمه توزیع می‌کنند و مسیحی‌ها و یهودی‌ها از آن برای مریض‌هایشان می‌برند تا موارد متعددی که شما سراغ دارید از آدم‌هایی که در این فضا نیستند و از تیپ‌ها و جاهای مختلف در مجلس امام حسین علیه السلام شرکت می‌کنند و گریه می‌کنند. شخصی می‌گفت ما در شهری که کل شیعیان آن ۲۱ نفر بودند، مجلس کوچکی را راه انداختیم، ولی در عاشورای سال قبل ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفر شرکت‌کننده داشتیم؛ از عضو شورای شهر و رئیس پلیس گرفته تا همسایه‌ها؛ در حالی که فقط ۲۱ نفرمان شیعه هستیم و بقیه مسیحی و غیرمسلمان هستند که می‌ایستند و گریه می‌کنند و سینه می‌زنند! نمونه این اخبار بسیار زیاد است و من معتقدم که اگر همین‌ها را در نشریه و سایت هیأت به صورت مستند منتقل کنیم، تأثیرات بسیار گسترده‌ای خواهد داشت. البته یکی از آفاتی که دامن‌گیر این نوع فعالیت‌ها می‌شود، آن است که آنها را به صورت شعاری مطرح می‌کنند و بعد از مدتی لوس می‌شوند و می‌گویند اینها را که همه می‌گویند.





مادر میان مسیحی‌ها،
کلیمی‌ها، یهودی‌ها
و هندوها واقعا ابراز
احساسات قابل
توجهی درباره امام
حسین علیه السلام داریم که
بخششی از این ابراز
احساسات را هر سال
در همایش باران غدیر
شاهد هستیم.

جهانی بودن عشق به امام حسین علیه السلام و دلالت‌های تاریخی آن

بنابراین، تبیین این ماجرا مهم است؛ مخصوصاً برای نسل نوجوان و نسل جدید که بتوانند این فضای جهانی را منتقل کنند. حالا جالب است که همسر امام حسین علیه السلام باید ایرانی باشد. بر اساس داستانی که خود آن داستان هم عجیب است، وقتی اسرا وارد مسجد مدینه می‌شوند، هیئت و جبروت این بانو به قدری بود که در اصول کافی آمده که دخترهای مدینه جمع شدند تا ایشان را ببینند و وقتی که وارد مسجد شدند، «أشرق المسجد بضوئها»^۱؛ یعنی فضای مسجد از نورش روشن شد. می‌گویند عمر این بانو را یک جوری نگاه کرد و ایشان صورتش را پوشاند و جمله‌ای به زبان فارسی گفت که در روایت «تیره بادا وجه هرمز» نقل شده است؛ یعنی روی هرمز سیاه باشد که من را وسط این جمعیت آوردند و دارند این‌گونه نگاه می‌کنند. می‌گویند عمر فکر کرد که او ناسزا گفته و عصبانی شد و خواست با او برخورد کند، ولی امیرالمؤمنین علیه السلام به او گفت: «لَيْسَ ذَلِكَ لَكَ خَيْرًا رَجُلًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ»^۲؛ یعنی با

۱. الکافی، ج ۱، ۴۶۷.
۲. همان.





تو نبود؛ اختیارش را به خودش بده که یکی از مردان مسلمان را انتخاب کند. او هم امام حسین علیه السلام را انتخاب کرد. این جریان به امام زمان علیه السلام می‌رسد که باید مادرش از روم و یکی از مسیحی‌های آنجا باشد تا وقتی که امام زمان علیه السلام می‌آید و انتقام امام حسین علیه السلام را مطرح می‌کند، مردم دنیا آن را بفهمند و مستند باشد.

من برای این که اصل بعضی از این استنادات را پیدا کنم و بگویم که مثلاً سند آنچه که از خلیل جبران نقل می‌کنند کجاست، واقعاً چند سال وقت گذاشتم تا بتوانم ادعا کنم اتفاقاتی که درباره امام حسین علیه السلام و عزاداری ایشان از مسیحیان نقل می‌شود، کاملاً درست است. ما در میان مسیحی‌ها، کلیمی‌ها، یهودی‌ها و هندوها واقعاً ابراز احساسات قابل توجهی درباره امام حسین علیه السلام داریم که بخشی از این ابراز احساسات را هر سال در همایش باران غدیر شاهد هستیم.

اولین چیزی که ما باید
با این مبنا بدانیم آن
است که هیأت خانه
من نیست که هر جور
خواستیم رفتار کنم
و هر چیز که دوست
دارم بگویم.



نمونه‌هایی از ابراز ارادت پیروان ادیان و مذاهب دیگر به امام حسین علیه السلام

در میان یهودی‌ها شاعری همدانی داشتیم که برای امام زمان علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام چقدر شعر داشته است. در همان همایش باران غدیر، شاعری زرتشتی حضور داشت که دقیقاً همان حرفی که ما می‌خواهیم امروز درباره رویارویی دو جبهه حق و باطل بزنیم، در شعرش بیان کرده بود؛ این که همیشه سپاه یزیدیان و سپاه حسینیان در هر زمانی روبه‌روی هم هستند. از این نمونه‌ها فراوان است.





ظرفیت بالای تبلیغ و فرهنگ‌سازی هیأت‌ها و مجالس امام حسین علیه السلام

مقدمه دوم آن است که در اوضاع آخر الزمان تنها پناهگاه فراگیر مردم، به ویژه جوان‌ها، خانه سیدالشهدا علیه السلام است. هیأت پناه‌گاهی است که مردم به اسم سیدالشهدا که «مصباح الهدی و سفینه النجاة»^۱ هستند، می‌آیند و ایمان‌شان را تقویت می‌کنند. یعنی هر کسی که ظرفیت وصل شدن به امام صادق علیه السلام را ندارد، در دستگاه سیدالشهدا علیه السلام جذب می‌شود و هدایت می‌گردد.

شخصی ایتالیایی که در یک مجلس و هیأت خیلی معمولی شرکت کرد و متحول شد، می‌گفت دوستانم به من گفتند که تو در همه جور پارتی‌ای شرکت کردی؛ اینجا را هم امتحان کن. نقل می‌کرد من به هیأت آمدم و نمی‌دانم چه اتفاقی افتاد که آن شب کلی گریه کردم. این فرد هشت ماه بعد شیعه شد و الآن در شهر رُم مرکز مهدی موعود تأسیس کرده است که این مؤسسه تاکنون تعدادی طلبه هم به قم فرستاده که معمم شده‌اند.

شما مشابه این نمونه‌ها را در اسپانیا و آرژانتین و کانادا و آمریکا زیاد می‌بینید. ما همسایه‌ای آمریکایی

۱- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۵۹ - ۶۴. «إِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ فِي السَّمَاءِ أَكْبَرُ مِنْهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمَكْتُوبٌ عِنْدَ يَمِينِ عَرْشِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مُصْبِحٌ هُدًى وَ سَفِينَةٌ نَجَاةٍ».



آن ادبیات محفلی که
ما تا دیروز داشتیم،
مال خودمان بوده
است و ما الآن نیاز به
یک زبان بین المللی
داریم. ویژگی حضرت
امام علیه السلام و امثال شهید
بهبشتی و امام موسی
صدر این بود که
زبان شان زبان بین
المللی بود.

داشتیم که سواد عربی نداشت و هر وقت که دلش می گرفت و مناسبتی می شد یک پرچم مشکی به دیوار خانه اش می زد. اسم خودش را «سکینه» گذاشته بود و سه تا دختر داشت که اسم آنها را هم «رقیه»، «رباب» و «زینب» گذاشته بود. به «رقیه» که بزرگ تر بود می گفت تو زیارت عاشورا بخوان و گریه می کرد؛ با این که چیزی نمی فهمید، ولی احساس می کرد مجلس، مجلس امام حسین علیه السلام است. این حالاتی است که دستگاه امام حسین علیه السلام می تواند ایجاد کند؛ و گرنه ما کجا بحث آزاد اندیشه داریم؛ خیلی های دیگر هستند که این طور به امام حسین علیه السلام نمی رسند؛ حرف می زنند و شعار می دهند، ولی اتفاقی نمی افتد. آن چیزی که می تواند تحولی بزرگ در میان افراد ایجاد کند، برپایی مجالس امام حسین علیه السلام است. در همین اوضاع و احوال خودمان که خیلی از دوستان وقتی اوضاع اینترنت و فحشا و حجاب را می بینند، جا می زنند، من بارها گفته ام تا امام زمان علیه السلام هست، غصه نخورید، اما به شرطی که ما به دستگاه امام حسین علیه السلام بچسبیم؛ آن وقت است که می توان دنیا را عوض کرد.

خدا مرحوم طیب را رحمت کند! هم حجره ای طاهر حاج رضایی، برادر طیب، نقل می کرد که ما دیگر از دست او خسته شده ایم و حریفش نیستیم. او به طاهر حاج رضایی گفته بود فقط امام حسین علیه السلام است که می تواند کاری بکند؛ او را راضی کنید و به کربلا ببرید. به این ترتیب، او را راضی اش کردند و به کربلا بردند. می گویند طیب بدون غسل و وضو به حرم آمد و زار زار گریه می کرد. وقتی برگشت عهد کرد که چاقو نکشد. حسین رمضان یخی که یکی از رقیبانش بود یک شب تنها گیرش آورده بود و با چاقو ضربه های زیادی به او زد. چاقوی آخر را که زد، طیب چاقویی را از جیبش درآورد و گفت به صاحب اسمت قسم خورده بودم دیگر چاقو نکشم. این آدم به جایی می رسد که امام علیه السلام وقتی به زیارت حضرت عبدالعظیم می آیند، مرحوم حاج مهدی عراقی که همراه امام علیه السلام بود، نقل می کند که ایشان سر قبر طیب خم شدند و گفتند: «تو عاقبت به خیر شدی، دعا کن خمینی هم عاقبت به خیر شود».

بعد از مرگش خوابش را دیدند و گفتند کجایی؛ گفت من نهبان امام حسین علیه السلام هستم.

آقای طلایی زمانی که رئیس پلیس تهران بودند، تعریف می کردند که قبل از محرم یک پسر اجق و حق و قرتی را به دلیل تخلفی اخلاقی دستگیر کردند و پیش من آوردند. به او گفتم اگر برایت پرونده

تشکیل بدهیم آبرویت می‌رود؛ بنابراین من یک مجازات دیگر برایت در نظر می‌گیرم و آن این است که در ایام محرم نباید به هیأت بروی. آقای طلایی می‌گفت آن جوان شروع به لرزیدن کرد و گفت: هر کاری می‌خواهی بکن، اما این هیأت را از من نگیر. خوب! زور امام حسین علیه السلام به جوانی با این تیپ می‌رسد و دستگاه امام حسین علیه السلام تنها وسیله‌ای است که می‌تواند ایمان مردم را حفظ کند و فرصت توبه برای آنها ایجاد کند و رحمت خداوند را برای‌شان به ارمغان بیاورد.





اولین چیزی که ما باید
با این مینا بدانیم آن
است که هیأت خانه
من نیست که هر جور
خواستیم رفتار کنم
و هر چیز که دوست
دارم بگویم.

وظایف و الزامات هیأت‌ها در آخر الزمان ۱- تجهیز به زبان بین المللی

حالا با این مقدمات می‌فهمیم که در آخر الزمان هیأت رسانه‌ای است که باید همه را تحت پوشش قرار دهد. اما الآن وظیفه هیأت چیست؟ اولین نکته این است که زبان محفلی جواب نمی‌دهد. ما چه خواهیم و نخواهیم هر محفلی از ما در بُعد بین المللی بازتاب گسترده‌ای دارد. همه این صحبت‌ها را می‌شنوند. آن ادبیات محفلی که ما تا دیروز داشتیم، مال خودمان بوده است و ما الآن نیاز به یک زبان بین المللی داریم. ویژگی حضرت امام علیه السلام و امثال شهید بهشتی و امام موسی صدر این بود که زبان‌شان زبان بین المللی بود. اگر کسی حوصله مطالعه آثار امام علیه السلام را از کشف الاسرار تا وصیت‌نامه ایشان داشته، متوجه این نکته عجیب می‌شود که هر چه سن این مرد الهی بالاتر رفته، زبانش جوان‌تر و بین المللی‌تر شده است. چون ما الآن با مخاطبی روبه‌رو هستیم که لزوماً مقدمات و ادبیات ما را ندارد، اما در بسیاری از موارد زبان مبلغان ما حتی در داخل خود کشور زبان ما نیست. مخاطب ما یک مخاطب جهانی و بین المللی است که خیلی از این مخاطبان در طول سال هیچ کاری با خدا و

پیغمبر ندارند و فقط در دهه اول محرم سهم ما هستند. اگر ما هنر داشته باشیم می‌دانیم چگونه اینها را جذب کنیم، ولی مشکل ما آن است که این هنر را نداریم. مثلاً روحانی‌ای را به یک مجلس ختم دعوت می‌کنند که شرکت‌کنندگان آن هیچ شناختی نسبت به یک روحانی ندارند؛ از باب رودر بایستی در مجلس شرکت کرده‌اند و او کلاً ۲۰ دقیقه مهلت دارد تا با این مخاطبان ارتباط برقرار کند. حالا شما ببینید، آیا می‌توانید یک الگوی قابل تکرار و مؤثر از منبر مجلس ختم به دست آورید که ویژگی‌های منبر مجلس ختم در آن نشان داده شود تا چنین فردی در این ۲۰ دقیقه شناختی نسبت به روحانیون به مخاطب بدهد و انسی نسبت به هیأت و امام حسین علیه السلام ایجاد کند؟

۲- توجه به اقتضائات مخاطب امروز

خیلی از اوقات مبلغ ما وقتی مجلس ختم می‌رود، انگار نه انگار که این جمعیت جلوبیش نشسته است. الآن وضع مجالس با ۵۰ سال پیش فرق کرده است؛ الآن در مجلس ختمی که ما می‌رویم، بسیاری از مخاطبان از افراد تحصیل کرده با مدارک بالا هستند. برای چنین مجلسی باید حرف متناسب با آن را زد. من خودم خیلی مراعات می‌کنم. من را به هیأتی خانگی دعوت کردند که کلاً ۱۷ یا ۱۸ نفر حضور داشتند. روضه که تمام شد، جمله‌ای درباره اهل سنت گفتم که یکی از دوستان گفتند یکی از شرکت‌کنندگان از اهل سنت هستند. البته خدا را شکر چیز بدی هم نگفتم، ولی این نشان می‌دهد که ما باید فضا و شرایط امروز را بسنجیم. اولین چیزی که ما باید با این مینا بدانیم آن است که هیأت خانه من نیست که هر جور خواستم رفتار کنم و هر چیز که دوست دارم بگویم. متأسفانه یکی از بلاهایی که دامان هیأتی‌های ما را گرفته، این است که ناخودآگاه فکر می‌کنند رزق و گریه‌ای که خداوند به آنها در هیأت داده، مال خودشان است؛ فکر می‌کنند همه‌کاره هستند و حتی در مقابل خدا هم گردن کلفتی می‌کنند و با صراحت می‌گویند که آقا اینجا را اجازه بده ما خودمان می‌دانیم چه کار کنیم!

۳- توجه به الزامات رفتاری در مجالس امام حسین علیه السلام و هیأت‌ها

مکان هیأت اگر خانه شماسست تا قبل از این که هیأت بشود، مال شماسست، ولی الآن که هیأت شده





فقط مال امام حسین علیه السلام و همگان است. فرموده‌اند همین که این پرچم بلند می‌شود، اینجا دیگر باغ بهشت است؛ مال اهل بیت علیهم السلام است و دیگر مال تو نیست. اگر نمی‌توانی و ظرفیتش و لیاقتش را نداری، نکن؛ بگذار همان خانه خودت باشد.

من زمانی به جمعی از سقاهاى اباالفضلئی گفتم که دستان شما سالی چند ساعت، یعنی از صبح تا ظهر عاشورا، برای خودتان نیست، بلکه مال قمر بنی هاشم علیهم السلام است. اگر این را فهمیدی، حالات عوض می‌شود. خانه‌ای که در آن هیأت برگزار می‌شود، دیگر مال تو نیست که بخواهی بگویی این‌طور یا آن‌طور باشد. تو بزرگ‌تر داری و هر چه بگوید حرف اوست. حکایتی از شیخ بهایی نقل شده است که ایشان وقتی می‌خواستند صحن سقاخانه اسماعیل طلا را بسازند، به معمار گفته بود که رواق و سقفش را نزن تا من بگویم چه کار کنی. در همان وقت شاه عباس از اصفهان ایشان را خواست و شیخ تا برود و برگردد، مدتی طول کشید. وقتی برگشت دید سقف را زده‌اند. عصبانی شد و به معمار اعتراض کرد. معمار در جواب گفت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام به خواب آمدند و گفتند که چرا کار را تمام نمی‌کنی و من گفتم شیخ بهایی گفته دست نگره دار تا من بگویم چه کار کنی. گفتند آن کار را برود در خانه خودش انجام بدهد، اینجا خانه ماست. تا این را گفت، شیخ بهایی گریه کرد و گفت می‌خواستم طلسمی در اینجا بگذارم تا هر کسی نتواند رد شود، ولی آقا می‌خواست همه بتوانند از آنجا رد شوند.

خانه‌ای که در آن
هیأت برگزار می‌شود،
دیگر مال تو نیست
که بخواهی بگویی
این‌طور یا آن‌طور
باشد. تو بزرگ‌تر
داری و هر چه بگوید
حرف اوست.

جلوه‌های مدارا در سیره اهل بیت

حالا شما به رفتار مدارا جوینان اهل بیت نگاه کنید. من اوایل در خصوص این نوع رفتارهای اهل بیت به این نکته توجه نداشتم، ولی بعداً دیدم تمام روایاتی که در این باره وارد شده‌اند، توصیه درباره اهل سنت هستند. یعنی امام صادق علیه السلام وقتی شبها از خانه بیرون می‌رفتند و نان و خرما برای فقرا می‌بردند یا وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام به منازل مردم می‌رفتند و به آنها غذا می‌دادند، مگر همه آنها شیعه بودند؟ عجیب آن است که بسیاری از آنها اهل سنت بودند و حتی از کسانی بودند که در روز به امام علیه السلام بد و بی‌راه می‌گفتند. این تحمل و مدارا تا جایی است که امام باقر می‌فرماید: «**إِنِّي لَأَسْمَعُ الرَّجُلَ يَسُبُّ عَلِيًّا وَ أَسْتَبِرُّ مِنْهُ بِالسَّارِيَةِ - وَ إِذَا فَرَعَ أَتَيْتُهُ فَصَافَحْتُهُ**»؛ یعنی می‌شنوم که فردی دارد به حضرت علی ناسزا می‌گوید، پشت ستون پنهان می‌شوم تا قبحش نریزد و تجری پیدا نکند. وقتی تمام می‌شود انگار که من نشنیده‌ام؛ می‌روم جلو و با او دست می‌دهم.

پیغمبر صلی الله علیه و آله به مجلس ختم عبدالله بن ابی رفت. دیگر از این آدم بدتر در تاریخ اسلام داریم؟ ولی

۱. بهارالانوار، ج ۴۰۰، ۷۲.





پیغمبر ﷺ در مجلس ختمش شرکت کردند. ما با کسی که دشمن ماست، باید این گونه رفتار کنیم؛ شیعه امیرالمؤمنین ﷺ که جای خودش را دارد. حالا ممکن است اختلافی با هم داشته باشیم و موضع سیاسی مان فرق می کند، ولی در روابط که نباید آن قدر بد رفتار کنیم و همه چیز را فراموش کنیم. چو می توانی که به صبوری کشی جرم عدو *** چرا صبور نباشم که چرم یار کشم

الآن کار به جایی رسیده که من نمی توانم رفیق هیأتی خودم را تحمل کنم؛ اصلاً سنی و مسیحی و کافر به کنار، شیعه ضد انقلاب هم به کنار، شیعه ای را که در راهپیمایی ۲۲ بهمن و ۹ دی هم شرکت می کند هم نمی توانیم تحمل کنیم! در برابر شیعه و محبین اهل بیت ﷺ که دیگر تکلیف روشن است. مرحوم مجلسی روایت معروفی از امام رضا ﷺ نقل می کنند که فردی که ایشان را به طوس رسانده بود، یک اصفهانی مرکب دار بود. وقتی به مقصد رسیدند، به امام گفت من سنی هستم؛ لطفاً یک یادگاری به من بدهید که تبرکاً داشته باشم. حضرت این جمله را برای ایشان نوشتند:

«كُنْ مُحِبًّا لِّآلِ مُحَمَّدٍ وَ لَوْ كُنْتَ فَاسِقًا»؛ «حتی اگر فاسق شدی، محبت ما را رها نکن.»

یکی از اصحاب امام صادق ﷺ در حالی که شراب خورده بود، در کوچه با امام ﷺ روبرو شد و رویش را برگرداند. امام ﷺ جلو رفتند و به او گفتند: «حتی اگر گناهی هم کرده ای، رویت را از ما برنگردان.» تمام عالم حول محور این محبت دارد می گردد: «و لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ»^۱. رفتار پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ این گونه بود؛ همسایگان پیامبر ﷺ روی سرشان زباله می ریختند، ولی ایشان به آنها محبت می کرد؛ از کسی که هر روز در مسیر به ایشان اهانت می کردند، سراغ می گرفتند! روایت داریم که در زمان امام هادی ﷺ خبر آوردند که فردی در مسجد ایستاده و به ایشان توهین می کند. اصحاب خواستند آن فرد را کتک بزنند، ولی امام ﷺ آنها را از این کار بازداشت. فردا همان آدم در مسجد امام ﷺ را مدح کرد. حضرت ﷺ به اصحاب شان گفتند دیشب به خانه اش رفتم و مقداری پول و هدیه به او دادم.

نوآوری امام حسین ﷺ
چیزی است که اگر
ظرفیتش را نداشته
باشیم، خدا این توفیق
را از ما می گیرد و افراد
دیگری را جایگزین
می کند.

۱. بحار الانوار، ج ۶۶، ۲۵۳.
۲. آل عمران، ۱۵۹.

این منش و اخلاق اهل بیت علیهم السلام است، نه گشت ارشاد، نه گیر و دار، نه کتک زدن. امام رضا علیه السلام در ادامه جمله‌ای که برای آن مرد سنی نوشتند، می‌فرمایند: «**وَ مُجِبًا لِمُحِبِّيهِمْ وَ إِنْ كَانُوا فَاسِقِينَ**!»؛ یعنی «دوستداران ما را دوست داشته باش، حتی اگر فاسق باشند». اگر این روایت را خود من در بحار الانوار ندیده بودم و کسی می‌گفت، باور نمی‌کردم.

روایت داریم که خداوند بدن‌های مطهر ائمه معصومین علیهم السلام را از گل پیغمبر آفرید، ولی بقیه مردم از این نوع خاک و گل نیستند و فقط قلب شیعیان از این نوع است. برای همین است که این سنسور کار می‌کند، حتی اگه در لجن‌زار هم بیفتد. این دختر و پسر با همین تیپ و قیافه یک بخش از وجودش که همان قلبش است، از گل امام حسین علیه السلام است. این گل از تقواست؛ این گل از حضرت زینب علیها السلام است؛ تو هنر داشته باش و از این استفاده کن. تو هنر داشته باش و این سنسور را فعال کن.

امام رضا علیه السلام فرمودند: «**وَ مُجِبًا لِمُحِبِّيهِمْ وَ إِنْ كَانُوا فَاسِقِينَ**»؛ حتی در نهی از منکر باید این نکته مد نظر باشد؛ شما باید توجه داشته باشید که نهی از فعل منکر می‌کنید، نه نهی از فاعل. اصلاً در روایات داریم که یکی از آفات نهی از منکر «تعییر» است؛ یعنی اگر شما به جایی رسیدید که بدون این که حواس‌تان باشد شخصیت فرد را در خلال نهی از منکر، لگدمال کردید مبتلا به «تعییر» شده‌اید. در حالی که شما در نهی از منکر با شخصیت فرد کاری ندارید، بلکه می‌خواهید به او بگویید که کارتان بد است.

۱. بحار الانوار، همان.





تو که دم در هیأت
ایستادی، نمی‌توانی
بهشت و جهنم را
تعیین کنی؛ تو باید
وسیله باشی برای
وصل شدن به خداوند.

الگوهای بایسته رفتار هیأتی‌ها با دیگران

حدیث داریم که اگر کسی از برادر مؤمن خود کینه داشته باشد، خدا او را از ولایت خود خارج می‌کند. تو که دم در هیأت ایستادی، نمی‌توانی بهشت و جهنم را تعیین کنی؛ تو باید وسیله باشی برای وصل شدن به خداوند. در روایتی از امام صادق علیه السلام داریم: «مَعَاشِرَ الشَّيْعَةِ كُونُوا لَنَا زَيْنًا وَ لَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا»^۱؛ یعنی شما عالیه ما هستید. اسم ما روی شماست؛ پس، باید آبروی ما باشید و اسباب سرافکندی ما نباشید. هر جا که می‌روید باید طوری باشید که مردم امانات‌شان را به شما بدهند و اطمینان کنند و محبت‌ها را به طرف خود جلب کنید. کاری کنید مردم شما را دوست داشته باشند و بعد ما اهل بیت علیهم السلام را؛ لذا بچه هیأتی باید محبوب محل باشد. خوب حرف بزنید و زبان‌تان را نگه دارید. در بعضی از روایات هست که اگر بتوانید زبان‌تان را نگه دارید، از گناهان در امان هستید؛ بنابراین، باید زبان‌تان را از حرف‌های زشت نگه دارید. ما روایت داریم که باید محبوب باشید و همه مردم را به سمت خودتان بکشید.

۱. بحارالانوار، ج ۴۵، ۱۵۱: «ای جماعت شیعیان! زینت ما باشید و مایه سرافکندی ما نباشید».

تعبیر آقای سیدحسین نصرالله چقدر زیباست؛ فرمودند: «گُل بی خار باشید». این تعبیر مال امام صادق علیه السلام است و چقدر زیباست! مردم را به طرف اسلام جذب کنید؛ به کوچک‌ترین بهانه‌ها مردم را از دین بیرون نکنید. اینها باید ویژگی‌های یک بچه هیأتی باشد؛ راستگویی، نماز، سجده طولانی، محبت کردن، همسایه‌داری. پایان‌نامه دکترای آقای سبوسر کیسیان، اسقف اعظم ارامنه ایران، درباره امام حسین علیه السلام است. آیا شما بهتر از این پیدا می‌کنید که پایان‌نامه اسقف ارامنه درباره امام حسین علیه السلام باشد؟ چنین آدمی وقتی به ایران آمد، یک عده از بچه هیأتی‌ها جلوی در کلیسا هیأت زدند و اینها را به غلط کردن انداختند! کار به جایی رسید که بنده خدا از ما کمک خواست!

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «وقتی که همسایه‌داری و مردم‌داری کردید و محبوب بودید، این مرا راضی و خشنود می‌کند». دقیقاً مثل پدری که بچه‌اش باعث سربلندی‌اش باشد. قرار است هیأت مردم را تربیت کند و اگر غیر از این باشد، ضررش به امام علیه السلام می‌رسد. امروز اگر بچه هیأتی مرتب بود، دروغ نگفت، لباسش بوی عطر می‌داد و با مردم خوب رفتار کرد و در رسانه هیأت چیزی نگفت که بعد مجبور باشد تکذیبش کند، امام علیه السلام راضی خواهد بود. بچه هیأتی یعنی نماد ادب، تقوا و مردم‌داری. فردای قیامت همه کسانی که از طریق ما دست‌شان به خدا و امیر المؤمنین علیه السلام نرسیده است، می‌توانند نزد خدا احتجاج کنند که خدایا! اگر با ما درست رفتار کرده بودند، ما در مجالس امام حسین علیه السلام شرکت می‌کردیم. توجه داشته باشید که نوکری امام حسین علیه السلام چیزی است که اگر ظرفیتش را نداشته باشیم، خدا این توفیق را از ما می‌گیرد و افراد دیگری را جایگزین می‌کند.



هیأت تراز انقلاب اسلامی

همان قله‌ای است که باید به سویش حرکت نمود. همان هیأت‌الگوئی که گوشه گوشه و لحظه‌لحظه‌اش مورد رضایت امام عصر علیه السلام باشد. هیأتی است که شایسته برپایی در حضور حضرتش باشد. هیأتی آماده حضور و ظهور... ترسیم بایسته‌ها و شایسته‌های چنین هیأتی، هر چند سخت و دشوار می‌نماید؛ اما لازم است و ضروری...



هیأت به خودی خود مهم‌ترین رسانه شیعه است. اما رسانه‌ها نیز در خدمت هیأت در می‌آیند. **رssh** می‌کوشد تا ابعاد و زوایای مختلف خدمت رسانه‌ها به نهاد اصیل «هیأت» را بررسی کند.



کتابخانه مجلس شورای اسلامی



۰۲۵ ۳۳۹۲ ۸۹ ۵۱
۱۵۴۲
www.1542.org
info@1542.org